

گفت‌وگو
زهرآچیزی

گفت‌وگوی «جوان» با بانوی واسطه‌گر ازدواج که در محضر رهبری درددل کرد

دختران دهه شصتی فراموش شده‌اند!



آمار دهه شصتی‌های مجرد حالا به یک دغدغه تبدیل شده است. دختران و پسرانی که زیر باران آتش و گلوله متولد شدند و کودکی‌شان را گذراندند و بعد هم که بزرگ‌تر شدند، سدهای متعددی برای داشتن یک زندگی عادی پیش روی‌شان بود؛ از شکست غول‌کنکور گرفته تا صف‌طویل و سخت اشتغال و ازدواج! به همین خاطر هم امروز با وجود آنکه این افراد سنین میانسانی را تجربه می‌کنند، هنوز بخشی از امورشان به سرانجام نرسیده و تعداد قابل توجهی از دختران و پسران این دهه همچنان مجردند؛ ماجرای که برای مریسم ابراهیمی بانوی دهه هفتادی که خودش هم مادر است، دغدغه شده و با چنین دغدغه‌های چندسالی می‌شود وارد حوزه واسطه‌گری ازدواج شده است؛ موضوعی که رهبر معظم انقلاب درباره لزوم احیای آن در جامعه امروز متذکر شده‌اند، به همین خاطر هم خانم ابراهیمی که او را به نام «تنه ابراهیم» می‌شناسند، وقتی به عنوان فعال حوزه واسطه‌گری ازدواج برای حضور در پیشگاه رهبری و بیان چالش‌های این عرصه انتخاب شد، تصمیم گرفت زبان دختران و پسران مجرد به خصوص دهه شصتی‌ها باشد و درددل‌های‌شان را به گوش رهبرمان برساند تا شاید نصایح پدرانه حضرت آقا بتواند مانند همیشه راهگشا باشد و گرهی از بخت جوانان مجردمان باز کند. خانم ابراهیمی، کارشناسی ارشد روانشناسی خانواده در مانی دانشگاه شهید بهشتی را دارد و از همان دوران دانشجویی وارد فعالیت در حوزه واسطه‌گری ازدواج شده است. تجربه چند سال واسطه‌گری موجب شده است وی حرف‌های خوبی در حوزه ازدواج داشته باشد؛ حرف‌هایی که البته بخشی از آنها را در دیدار با مقام معظم رهبری گفت و بخشی را هم با ما در میان گذاشت.

خانم ابراهیمی چه شد که شما در مسیر واسطه‌گری ازدواج قرار گرفتید و این کار را دنبال کردید؟

من در ۲۰سالگی در دوران دانشجویی با این ماجرا آشنا شدم و علاقه پیدا کردم در این مسیر گام بردارم. کم‌کم وارد نهاد رهبری و سپس در طرح هدی وارد شدم. به خانم دکتر قاسمی همسر شهید شهریار که طرح هدی را در دانشگاه شهید بهشتی راه‌انداختند، گفتیم من می‌خواهم همسان‌گزینی کنم. آن زمان ۲۲ساله بودم و چند ماهی از ازدواج می‌گذشت و برای این کار مصمم‌تر شده بودم. خانم دکتر قاسمی در واکنش به خواسته من خندید و گفت تو خیلی کم‌سن و سالی و همه کسانی که اینجا فعالیت می‌کنند همه مادر هستند و سن‌شان بالاست. من هم جواب دادم اتفاقاً من جوانم و می‌دانم جوان‌ها چه می‌خواهند. در نهایت قرار شد یک ماه به صورت آزمایشی کار کنم و در این مدت اولین همسان‌گزینی که داشتم را دیدند، گفتند خیلی عالی است و از همه بهتر همسان‌گزینی داشتید. پس از این بود که خانم دکتر گاردشان باز شد و متوجه شدند دهه هفتادی‌ها هم می‌توانند در حوزه همسان‌گزینی وارد شوند.

شما در دیدار با رهبری نکات مهمی را بیان کردید که یکی از مهم‌ترین آنها بیان گلایه‌های جوانان مجرد بابت خواسته‌های غیر معقولی بود که از یکدیگر دارند. چه شد تصمیم گرفتید در پیشگاه رهبری این نکات را مطرح کنید؟

من به عنوان واسطه‌گر ازدواج معرفی شده بودم و به من گفتند شما به واسطه صفحه ننه ابراهیم و همان ادبیاتی که در آنجا دارید، دعوت شده‌اید و لزومی ندارد بخواهید ادبیات‌تان را عوض کنید و خیلی رسمی باشید، پس هر چیزی که لازم است بگویید. آنچه در حضور حضرت آقا گفتیم چکیده درددل‌های من در بحث واسطه‌گری بود و به همین خاطر اینها را عنوان کردم، به خصوص قسمتی که گلایه کرده بودم بابت مهریه ۱۴سکه. هر وقت در بحث واسطه‌گری وقتی به پسرهایی برمی‌خوردم که ۱۴سکه مهریه می‌خواستند اما در بحث جهیزیه وقتی ما صحبت‌های رهبری را برای‌شان رخش می‌کردیم، هیچ تأثیری نداشت و من همیشه به شوخی و جدی می‌گفتم یک بار اگر من به محضر حضرت آقا بروم، به ایشان می‌گویم از مهریه ۱۴سکه به این میزان و حزب‌اللهی‌بودن چه سوء استفاده‌ای می‌شود؛ در خصوص دختران دهه شصتی همیشه دغدغه داشته‌ام و چند سال پیش راجع به این مسئله مصاحبه کرده بودم و حتی یکسری پیشنهادات داده بودم اما عملاً در این حوزه اتفاقی نیفتاده است. فقط در زمان دولت آقای رئیسی و ۵۰۰میلیون برای ازدواج دختران دهه شصتی در نظر گرفتند که نمی‌دانم تا چه حدی اجرا شد، اما ما چرا در همان حد متوقف شد و کار دیگری برای دختران دهه شصتی انجام نگرفت!

بابت صحبت‌های تان چه بازخوردهایی

در یافت کردید؟

در خصوص بازخوردها با وجود اینکه خیلی‌ها به دوستان و هر جا که دسترسی پیدا کرده بودند، پیام دادند و تشکر کردند که دختران دهه شصتی چه در سطح جامعه و جلساتی که حضرت آقا دارند، فراموش شده‌اند ولی برخی از شیطنتهای رسانه‌ای آزاردهنده بود و من سعی کردم زیاد فضای مجازی را دنبال نکنم، اما همان زمانی که متن را آماده می‌کردم، احتمال می‌دادم بازتاب‌های خیلی منفی هم دریافت کنم!

مثلاً چه بازخوردهایی؟

یکی از شیطنتهای رسانه‌ای که اتفاق افتاد این بود که صحبت‌های من در خصوص پسرهای کات و وایرال شد. خیلی از کسانی که تمام سخنرانی را گوش نده بودند، مدام انتقاد می‌کردند و می‌گفتند مگر مشکل ازدواج فقط پسرها هستند، البته خیلی از این افراد بعد از آنکه تمام سخنرانی را گوش کردند خلالت طلبیدند، البته باز خوردهای خیلی خوب هم کم نبود، اما از آن طرف باز خوردهای منفی به خصوص در فضای توئیتر زیاد بود. به طور مثال یکی از صحبت‌ها و انتقادهای این بود که جای این صحبت‌ها جلوی رهبری نبود و یکسری می‌گفتند شاید این مدل سبک‌های الان در این شرایط منطقه ضرورتی نداشت، این در حالی است که به مسائل منطقه بسیار مهم است اما مهم بودن مسائل منطقه منافاتی با مهم بودن مسئله ازدواج در داخل کشور ندارد و به نظر من این مسئله نوعی فسفسه بود. از نگاه من اگر این صحبت‌ها سخیف بود، پس مسئله ازدواج هم در کشور ما سخیف است؛ در بحث‌های اقتصادی و قوانین هم من موارد قانونی را آورده بودم اما داورها باز خوردهایی به من دادند که متوجه شدم قانون در مسئله ازدواج کم نداریم اما اجرا کنند کم داریم؛ به همین خاطر تصمیم گرفتم صحبت‌ها و درددل‌هایی را بگویم که تاکنون گفته نشده است. خیلی‌ها هم فکر کرده بودند من مجرد

۶۶ در خصوص دختران دهه شصتی همیشه دغدغه داشته‌ام و چند سال پیش راجع به این مسئله مصاحبه کرده بودم و حتی یکسری پیشنهادات داده بودم اما عملاً در این حوزه اتفاقی نیفتاده است. فقط در زمان دولت آقای رئیسی وام ۵۰۰میلیون برای ازدواج دختران دهه شصتی در نظر گرفتند که نمی‌دانم تا چه حدی اجرا شد، اما ما چرا در همان حد متوقف شد و کار دیگری برای دختران دهه شصتی انجام نگرفت!



نگاه

واسطه‌گری در جامعه امروز نیز ضرورت دارد

یکی از موضوعاتی که در خصوص بحث واسطه‌گری ازدواج مطرح می‌شود این است که آیا در جامعه امروز اصلاً نیازی به واسطه‌گری هست یا خیر؟ پاسخ شما به این مسئله چیست؟ من همیشه گفته‌ام من واسطه‌گر ازدواج هستم اما هیچ‌گونه گاردی نسبت به اینکه دختر و پسر خودشان باهم آشنا شوند، ندارم؛ چه در فضای مجازی چه هر جای دیگر، اما من از منتقدان واسطه‌گری یک سؤال دارم، اگر پسر و به خصوص دختر این فضای آشنایی برای ازدواج برایش پیش نیامد، باید چه کار کند؟ گاهی پاسخ می‌دهند خوب وارد جامعه شود! اما من می‌گویم ما درباره دختری که خائفه‌نشین است، صحبت نمی‌کنیم، بلکه درباره دختری صحبت می‌کنیم که درس خوانده و وارد بازار کار شده اما شرایط آشنایی و ازدواج با پسری برایش فراهم نشده است. این دختر باید چه کار کند؟ بنابراین حتی منتقدان هم به این نتیجه می‌رسند که این درست است اینجا یک خلأی وجود دارد. اگر افرادی هستند که در فضای بیرون با یکدیگر آشنا می‌شوند خیلی هم عالی، فقط کافی است ملاک‌های‌شان به هم بخورد و بتوانند ازدواج سالمی داشته باشند، اما خیلی وقت‌ها برای خیلی از دخترها و حتی خیلی از پسرهای این فرصت آشنایی رخ نمی‌دهد. از سوی دیگر به طور نمونه ما دخترانی را داشته‌ایم که در دانشگاه

برای‌شان پیشنهادات زیادی هم مطرح می‌شده اما مسئله‌ای که وجود دارد این است که هیچ‌یک از پسرهایی که ظاهرآ ابراز علاقه می‌کردند از نظر خانوادگی و موارد دیگر تناسب لازم را با آن خانم‌ها نداشتند، بنابراین افراد زیادی هستند که می‌گویند من در فضای دانشگاه خواستگار زیاد دارم اما ملاک‌های‌شان با ملاک‌هایم همخوانی ندارد. نکته دیگر اینکه من خودم بارها با دخترهایی مواجه شده‌ام که شرایطشان هم خوب است اما به دلایل مختلف ممکن است خواستگاران کمتری داشته باشند. مثلاً مهاجرت کرده‌اند و آشنایی ندارند و نمی‌توانند از فامیل و آشنایان بخواهند کسی را برای ازدواج به آنها معرفی کنند. این احساس مسئولیت باید در خانواده فامیل و اطرافیان باشد تا افرادی را که مناسب هم می‌بینند، به یکدیگر معرفی کنند. بعد از سخنرانی من تعداد زیادی از افراد پیام دادند و درخواست داشتند که می‌خواهند در این زمینه کمک کنند اما نکته‌ای که وجود دارد این است که بسیاری از این افراد وقتی با سختی‌ها و چالش‌های واسطه‌گری مواجه می‌شوند، کنار می‌کشند، ولی داشته‌ایم افرادی را که آمده‌اند و با وجود تمام سختی‌ها همچنان کار می‌کنند. نکته جالب اینکه آنقدر که مجردها دغدغه دارند و برای این کار زمان می‌گذارند، ممکن است متأهل‌ها به آن میزان دغدغه نداشته باشند.

این آدم شریک نمی‌شوم. این همان حلقه مفقوده است.

و شاید اصلاً واسطه‌گر این مسئولیت اجتماعی را نداشته باشد که به عنوان فعال فرهنگی به سهم خودش سعی کند معیارهای غیرمنطقی را به نوعی اصلاح کند، اینطور نیست؟

خیلی وقت‌ها این معیارهای غیرمنطقی اصلاح نمی‌شود و آن فرد نمی‌خواهد حرف ما را گوش دهد و گوشش از این حرف‌ها پر است! خصوصاً پسران دهه شصتی به یک سنی رسیده‌اند که اصلاً انعطاف‌پذیری ندارند. من می‌گویم اشکالی ندارد این فرد برود و دختری را که می‌خواهد پیدا کند اما واسطه‌گرهای ما کاش به این درک برسند که در این معیارهای اشتباه ازدواج شریک نشوند.

یکی از موضوعاتی که شما در صحبت‌های تان مطرح کردید بحث توجه به ازدواج دختران دهه شصتی است، به خصوص در روستاها ما با تراکم بیشترین ازدواج دختران دهه شصتی که ازدواج نکردده‌اند مواجهیم، بحث دیگر هم فاصله سنی‌های نامعقول در ازدواج‌هاست که به لحاظ روان‌شناختی هم می‌تواند موفقیت ازدواج را تحت تأثیر قرار دهد. از نگاه شما به عنوان فعال این حوزه چه کار می‌شود کرد؟

من چند سال پیش یکسری پیشنهاداتی داده بودم، به طور نمونه یک کمیته‌ای ویژه بچه‌های دهه ۶۰ تشکیل شود که در آن پزشک ژنتیک، روان‌شناس، دکتر زنان، اورولوژیست مردان و به طور کلی از تخصص‌های مختلف حضور داشته باشند و موضوع را از زوایای مختلف ببینند. یک چیزی شبیه وام ۵۰۰میلیونی دختران دهه شصتی در دولت شهید رئیسی و مجموعه‌ای از عوامل دیده شود. بسیاری از پسران دهه شصتی شاید مسئله‌شان مسئله اقتصادی نباشد و بسیاری از آنها به ثبات شغلی و اقتصادی رسیده‌اند و ممکن است خودشان خانه و ماشین داشته باشند و می‌گویند ما بعد از ازدواج چند ساله می‌خواهیم خوش بگذرانیم، به همین خاطر باید همسر من کم‌سن و سال باشد تا چند سال بعد از ازدواج همچنان توانایی باروری داشته باشد. از سوی دیگر برخی پسرها خشم و کینه‌ای نسبت به دختران دهه شصتی دارند و می‌گویند آن زمان که ما هیچ چیزی نداشتیم، دهه شصتی‌ها ما را رد کردند، حالا که ما خانه، ماشین و پول داریم چرا باید برویم و با یک دهه شصتی ازدواج کنیم! پس سراغ دهه هفتادی و دهه هشتادی می‌رویم، بنابراین ماجرا ریشه‌دارتر از آن است که به راحتی بخواجه حل شود. از نگاه من لازم است کمیته‌ای در رابطه با دختران دهه شصتی تشکیل شود، البته این یک ایده خام است و متخصصان قطعاً بهتر می‌توانند در این خصوص ورود پیدا کنند. در واقع می‌شود کاری کرد اما من هیچ کاری نمی‌بینم برای دختر دهه شصتی انجام شود، حتی برای هیئت علمی شدن و مسائلی از این قبیل الان امتیاز را به دختر دهه شصتی می‌دهند؛ در صورتی که به نظر من اینن کار اصلاً منطقی نیست، چرا این ازدواج کردن و مادر بودن باید امتیاز محسوب شود؟ شاید یک دختر دهه شصتی به دلایلی نتوانسته است ازدواج کند و ما داریم با این امتیازات غیرمنطقی برای تأهل، امکان اشتغال مناسب را هم از او می‌گیریم و دوران سالمندی که می‌تواند برایش بسیار سخت‌تر باشد.

معرف ازدواج باید هوش اجتماعی خوبی داشته باشد و بتواند ارتباط بگیرد. هم حرف دختران را بفهمد و هم حرف پسران را و خودش را به جای آنها بگذارد. ترجیح ما این است که با پدر و مادرها در ارتباط باشیم. متأسفانه مادرها سلیقه خودشان را در ارتباط باشیم و ترجیحاً با خود دختر و پسر در این وسط اعمال می‌کنند و کار واسطه‌گر خیلی سخت می‌شود! جدای از آن من فکر می‌کنم هر واسطه‌گر باید یکسری اصول اخلاقی برای خودش داشته باشد. مثلاً اینکه اگر یک پسر به خواستگاری رفت و خواستگاری را رد کرد و جواب نداد که نظر مثبت است یا منفی و واسطه‌گر به با اخطار داد اما او کار خودش را کرد، وقتی این قوانین را واسطه‌گر این نباشد که بالاخره جوان است و می‌خواهد ازدواج کند. شاید آن پسر با ملاک‌های غیرمنطقی‌اش برود و دختری را که می‌خواهد پیدا کند و امیدوارم که خوشبخت هم بشود اما من به عنوان یک واسطه‌گر در ملاک‌های اشتباه

من فکر می‌کنم شاید لازم باشد روان‌شناسان و جامعه‌شناسان هم پای کار بیایند. فاصله سنی در ازدواج تا حدی معقول است و اگر این فاصله سنی افزایش غیرمنطقی داشته باشد، می‌تواند روی موفقیت ازدواج هم تصمیم‌بخش‌گذار. اگر روان‌شناسان و جامعه‌شناسان هم پای کار بیایند و تبعات چنین ازدواج‌هایی را تشریح کنند، شاید خیلی از افراد تصمیمات منطقی‌تری بگیرند!

بسیاری از روان‌شناسان و جامعه‌شناسان واسطه‌گری را عمار می‌دانند! روان‌شناسان و جامعه‌شناسان ما به شدت از اینکه عنوان واسطه‌گری به آنها چسبیده شود، هراس دارند و آن را عار و ننگی می‌دانند.

و کلام آخر... من می‌دانم به هیچ وجه این وظیفه رهبر جامعه نیست که به این مسئله ورود کند اما دلم می‌خواست چهارمه‌ای مذهبی و افرادی که منبر دارند و صدای‌شان شنیده می‌شود به این مسئله ورود کنند و پسران را تشویق کنند تا ازدواج‌های منطقی‌تری داشته باشند. آقایان باید پای کار بیایند. من انتظارم از شخص رهبری نیست. ایشان نمی‌توانند به جزئیات مسئله ورود کنند اما چرا آقایان منبری، سلب‌ریتی‌های مذهبی و کسانی که تربیت و رسانه دارند، هیچ چیزی نمی‌گویند؟



اهمیت واسطه‌گری ازدواج در کلام رهبری

یک مسئله که به صورت حاشیه‌ای مطرح شد و به نظر من حاشیه‌ای نیست و مسئله مهمی است، مسئله ازدواج جوان‌هاست، انتظار داشتیم این جور عکس‌العمل نشان بدهید، مسئله ازدواج جوان‌ها مسئله مهمی است. من از این بیسم دارم که نگاه بی‌تفاوت نسبت به مسئله ازدواج - که متأسفانه امروز کم و بیش این نگاه بی تفاوت وجود دارد- در آینده تبعات سختی را برای کشور به وجود بیاورد. خوب، حالا شما مسئله سربازی را مطرح کردید، به نظر من، سربازی مسئله مشکلی نیست، می‌شود در آن زمینه هم فکر کرد، کار کرد، راه‌حل مشکل سربازی به‌عنوان یک مانع در امر ازدواج، این نیست که ما مدت زمان سربازی را کوتاه کنیم، می‌توان شیوه‌های دیگری را به کار گرفت، لکن این یک مسئله است. انگیزه برای ازدواج، باید تبدیل بشود به یک اقدام عملی. یعنی ازدواج باید تحقق پیدا کند. اینکه خدای متعال می‌فرماید: این یٰکُونُوا فَرَّآءَ یَغْنَمُ الله مِنْ فُضْلِهِ، (۳) این یک وعده الهی است، ما باید به این وعده، مثل بقیه وعده‌های الهی که به آن وعده‌ها اطمینان می‌کنیم، اطمینان جوانان دهه شصتی را در ازدواج و تشکیل خانواده، موجب نشده است و موجب نمی‌شود که وضع معیشتی افراد دچار تنگی و سختی شود، یعنی از ناحیه ازدواج کسی دچار سختی معیشت نمی‌شود، بلکه ازدواج ممکن است گشایش هم ایجاد کند. محیط دانشجویی محیط خوبی و مناسبی است برای زمینه‌سازی ازدواج. به نظر من بر روی مسئله ازدواج جوان‌ها، خود جوان‌ها، اولیای خانواده‌هایی که جوان‌ها متعلق به آنها هستند، مسئولان ذی‌ربط در با دانشگاه، فکر کنند و تصمیم بگیرند، نگذاریم سن ازدواج - که امروز متأسفانه بالا رفته، به خصوص در مورد دختران- ادامه پیدا کند، بعضی از تصورات و سنت‌های غلط در مورد ازدواج وجود دارد که اینها دست‌وپاگیر است، مانع از رواج ازدواج جوان‌هاست. این سنت‌ها را باید عملاً نقض کرد. شما که جوانید، مطالبه‌گرید، برنشاطید، پیشنهادکننده نقض سنت‌ها را و عادات غلط در ازدواج وجود دارد که اینها دست‌وپاگیر است، مانع از ازدواج افراد خیر و مؤمنی پیدا می‌شوند، واسطه‌گری می‌کردند، دخترهای مناسب را، پسرهای مناسب را معرفی می‌کردند، ازدواج‌ها را راه می‌انداختند، این کارها باید انجام بگیرد، باید واقعاً در جامعه یک حرکتی در این زمینه به‌وجود بیاید. (۵/۱/۱۳۹۳) یک مسئله‌ای که اخیراً مطرح کرده‌اند، مسئله ازدواج جوان‌ها بود که خوب، همه - پسر و دختر - مطمئناً علاقه‌مندند. من همین‌جا به توصیه این جوان عزیز می‌کنم که از من خواستند به پدر و مادرها تذکر بدهم، به پدرها و مادرها تذکر می‌دهم، من خواهم می‌کنم و تقاضای می‌کنم از شماها که یک خرده امکانات ازدواج را آسان کنید. پدر و مادرها سختگیری می‌کنند، هیچ سختگیری‌ای لازم نیست. بله، یک مشکلات طبیعی وجود دارد - مسئله مسکن، مسئله شغل و از این مسائل - لکن «لٰ یٰکُونُوا فَرَّآءَ یَغْنَمُ الله مِنْ فُضْلِهِ»، خوب، این قرآن است، ممکن است جوان، الان هم امکانات مالی مناسبی نداشته باشد، اما ان‌شالله بعد از ازدواج خدای متعال گشایش می‌دهد. ازدواج جوان‌ها را متوقف نکنند، من خواهم می‌کنم که پدرها و مادرها به این مسئله توجه کنند، البته یکبار با این مسائل مهم این است که رسم خواستگاری رفتن و وساطت کردن برای ازدواج دختر، متأسفانه کم‌رنگ شده، این چیز لازمی است. افرادی هستند- سابقاً هم همیشه معمول بود، حالا هم با کنرت نسل جوان در جامعه ما، باید این رواج داشته باشد- پسرهایی را می‌شناسند، به خانواده دختر معرفی می‌کنند، دخترهایی را می‌شناسند، به خانواده پسر معرفی می‌کنند، تسهیل می‌کنند و آماده‌سازی می‌کنند ازدواج را، این کارها را نکنند، هرچه که ما بتوانیم در جامعه مسئله مشکل جنسی جوان‌ها را حل کنیم، این به نفع دنیا و آخرت جامعه ماست، به نفع دنیا و آخرت کشور ماست، بعد هم برای مسئله نسل که من رویش خیلی تکیه دارم مهم است. باز من همین‌جا هم به آقای وزیر محترم بهداشت عرض می‌کنم، گزارش‌هایی به من می‌رسد که آن خواسته شما که همان خواسته ماست، ایعنی! مسئله جلوگیری از منع باروری - که منع باروری یک سیاستی بود، بنابر این گذاشته شد که از این سیاست جلوگیری بشود- درست انجام نمی‌گیرد، بعضی جاها همچنان در بر پاشنه قبل می‌گردد. (۶/۲/۱۳۹۴)